

قیمت سالنامه
از وزراء واعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقارئ نکاران (ضفری)
رابکان
از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه
یم بوند انگلیسی با محصول بوست
از طلاب و عصیان نصف قیمت
ششماهه
داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شلنگ

دین جریده اوزرگوه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بخت میشود

امان افغان

از ابانی وطن مر که اهل بده شد بدون خواهش

جریده رایش فرستاده میشود

قیمت بیک شاهه بیکعبانی

- د افغانستان کابل
- ▶ سر دیر
- ▶ سید محمد قاسم
- مه امورات نخیریه بنام
- اداره فرستاده شود
- اداره در انتشار و اصلاح مقالات
- وارده مختار است
- در هر هفته یکبار نشر میشود
- اور اینک در ج لشود اعاده نمیشود

ناریخ شمسی (۴) جلدی ۱۳۰۲ هجری (چهارشنبه) تاریخ قمری (۱۷) جادی الاولی سنہ (۱۳۴۲) ہجری

فهرست مدلل جهات

- (۱) افغان و انگلیس - (۲) ملاقات با مارکوس پتنو وزیر مختار ابطاله در افغانستان - (۳) سیاست اروپا -
- (۴) حوادث داخلیه : ورود شارزد افرمان - (۵) فرمان اعلیحضرت بادله و برادران دین محمد خان مرحوم -

به شمال آسیا افغانستان بوده است، و از همین جهات است که افغانستان به نام دروازه هندوستان مشهور است .
ین سلاطین هند و فرمان رویان افغانستان هم وقت بیک ارتباط و اتحاد کلی و اشتراک مصالح و مسامی بوده و روابط شان برای بیک مدت درازاً آقطع نداشته است . و اکثر زمانی بیکجانب جانب دیگر را مورد حمله قرارداده مدتی نداشته که اختلاف از میان رفته و باز همان اتحاد و اتفاق هم جواره و تعاون و تاصر برادرانه درین ظهور بوده است . بیکنیک و بیک جهانی این دو قطعه حدی است که از آن در تاریخ و جغرافیا و آثار عتبه و یعنی رسوم و عادات انسانی این دو علکت هم ظاهر و آشکار است . چنانچه تاریخ و جغرافیای هندبودن تاریخ و جغرافیای افغانستان و یا تاریخ و جغرافیای افغانستان بغير تاریخ و چه افیای هند سیان ، و کذا بعض علوم دیگر که مربوط بین دو قطعه است به تهائی صورت تکامل نمیکرد . ارشدت روابط و علاقه ماهی این دو قطعه است که عموماً افغانستان از اقلاب هندوستان و هندو - ان ار اقلاب افغانستان قبول آزاد بوده است . بعد از اقرض حاکم مغلیه واستیلاه دولت رطای پهلوی لات جنوی و نو - ط هندوستان و قرب او بسوی پختگان ،

(افغان و انگلیس)

افغانستان و هندوستان دو قطعه مهمه آسیاست که در جوار بکدیگر واقع اند . ارتباط این دو قطعه بعض از جمیعت همچواری بست بلکه از جهات کثیره و عوامل عدیده طبیعیه و سیاسیه این دو قطعه باهم مربوط بوده و از کمال ارتباط بک اتحاد اجناسی و اقتصادی پسا کنین خود را تشکیل داده اند . از روی نسل افغانها و هندوها هردو فرع جنس آرین میباشند و باعتراف لفظ زبان افغانی و زبانهای هندی منتهی یک اصل میشوند . افغانستان واسطه اینین تجارت هندوستان به شمال آسیا و تجارت قطعات شهابی آسیا هندوستان . جهات اربعه آسیا بواسطه افغانستان باهد که مربوط بوده اکر کسی بخواهد از شمال آسیا سوی جنوب و با از خوب آسیا بسوی شرق مسافت و نهضت کند بالضروره ایش قطعه افغانستان را می وسیع نماید . نافعین زر کی که نظمات آسیارا فتح و استیلاه نموده اند خط حرکت شان ازینه گینه افغانستان بوده است . اسکندر مقدونی، نیور کورکانی و دیگر بیلاریین مشهور از گینه افغانستان بسوی هندوستان اهیمار کردیده اند . شام راه سیر مبلغین مذهب بده و هندو

صرف هست، کارکنی، فرات و شرکت سرمایه‌داران پیش (گفته) بکار است که رفته و کار کنند ایرانی‌لوبان هست کنند و افغانستان با جمعیت کارکران و کاردان بهمن وضع خوبیک سلوک داشته اند پیش بخاید بین دارم که میان را مقیوض قرضه دار غنائم امر مایه های قدرتی خود می‌سازد من این را بلکه سخن جزئی قیاس نمی‌نمم.

قین دارم مسائل اقتصادی مانیز بنا بر دیانت داری ملت افغان صورت شائمه اختیار کنند این‌گهی های ایطالوی باید در تبار کردن راه‌های دیکر علاوه بر آن بین هندوستان و افغانستان در حرص نهایی بیز بکوشند که انصال آن راه‌ها یکانه و سیه ررق شمرده می‌شود.

(پیغام اعلیحضرت امیر برای موسیو مولینی) از مارکویس پریم آیاحتیات سیاسی اروپائی در آن مللخوبی دالسته می‌شود؟ جواب دادیلی ۱۱ کرچه (اعلیحضرت) امیر امان الله خان خارج از سلطنت خود ساخت غرمه اند قاماً توجه تمام پیروی ترقیات مالک دیکر را می‌بینند و سبب غمی اغلبات و تسلیلات را بخوبی مطلعه فرموده ازان بخبره و فرایجرای روضه‌امات خود حاصل میدارند و از معاملات سیاسی کمال خارجه علی‌الخصوص اروبا دلیلی تمام دارند در بخصوص بشما غبیلا کفته می‌توانم که (امیر افغان) از اجراءات فاشتی و به تصرف آوردن حکومت و تمامی حرکات و اغلبات شان واقفیت کامل دارند و بیز توجه تمام رفتار و طرز کار (موسیو مولینی) را دقت فرموده اجراءات اورا برای مفاد وطنی نقدر می‌کنند چنانچه بلکه پیامی که مشتمل بر اوصاف اوست بیز برایش فرستاده اند اخبار نویس در خانه می‌تویسد اما زین ملاقات مسرت بخش مارکویس پتو نوی خبیه معنون شده با حساسات عجیب بخاطر خویش داشته باور و داعی بود. برای عاملین دولت ایطالوی و اجراءات شان در مملکت افغانستان کامیابی و برای ملت هردو دولت فرنخی و مفاد زیادی را آرزو دارم.

از مسائل خارجی اوچاع سیاسی اروبا

شکاف اختلاف و مناقشه بین انگلیس و فرانسه که از همان فردای امضاء معاهده و رسای شروع شد اینک وسیع می‌شود و شکل جدی باقیافه می‌بینی بخود می‌کنید که اسباب اسطراب دوازد سیاسی شده و بیشه در قیمت اسهام و سندات و روز بولها تأثیرگذشت و ممکن است وضعیات حاضر را تغییر دهد.

اعلیحضرت امیر افغانستان برای آغاز کار استخراج معدن

مقداره که قدرت عقدار کشیدی برای افغانستان عنایت کرده و اصول و زردهای قیمت و رواج دارد بس سامی و آرزومند است بزر در تزیید و ترقی پلے ابریشم سی دارند که بزودی کاپیا خواهد شد و مقدار کشیدی محصول خواهد انجامیدن باز شاه و الشمند افغانستان شوق زیادی برای ساختن نهرهایک پکانه و سبله رفق زراعت شمرده می‌شود دارد جبهه زیید حصول فرمیده باشد که از منازعه و محاربه با افغانستان بجز خسارت های فوق العاده مالی و تلفات نفوس کثیره نتیجه نماید و موقعیت افغانستان طوری است که بجز نوع مرعوب نمی‌گردد منتهای همه وسائل نهایات و ارها بات حرث است و حرب و ضرب ورزش طبیعی وعادت فطری صفار و کبار و ذکور همکن می‌بین قطع بشود.

از امشین خانه بزرگ (هانیدر والکتریکی) کابل بعد هاهزار فوه اسپی (برق) قریب الحصول است حالا صرف برای روشنی کابل رق آن کفایت می‌کند برای اجرای این پروژه ام بس خرگزی و اهم (اعلیحضرت امیر افغانستان) امداد بسی این‌گهی های اروپائی که هر کدام مخصوص شعبه های جداگانه می‌باشند طلب فرموده اند.

برای انجام خدمات (صحیه) بیز داکتر های لافق اریور بطلب نموده اند اعلیحضرت امیر امان الله خان مصلح خاندانهای اهل وهم عموم رطایا قاعده چند زن کرفتی یارنی به طور سیمه نکاه داشتن را کاملاً منع فرموده استعمال جواهر و دیکر جلوه‌های عیاشی را بکلی منع داشته (اعلیحضرت افغانستان) جلوه‌های ظاهری را مانع ترقیات قوم قیاس می‌فرمایند بیز سرمایه داران را از صرف نمودن سرمایه های شان راه عبانی منع کلی و بخراج کردن برای حیات اقتصادی فوچی اسر و هدایت فرمودند.

(اعلیحضرت امیر) توجه خود را در مسئله تجارت بین‌دولت داشته در پی یافتن معالجه زحماتی اند که اکثر بدر شهرهایک ایلک ندارند بوقوع می‌رسد از ازو برای تریبک (سندي کیت) یعنی کنی پاچلس تاجران می کوشند تادر کار و باز وطن خود رم دول خارجه تایید و امداد نماید.

رابطه بادولت ایطالیا

از مارکویس پارنو در خصوص افغانستان و ایطالیا جوا شدم که ایجاد قیاسی می‌فرمایند؟ کفت ایطالیا اولین دولتی است که استقلال نامدوالت افغانستان را قرار معاهده قبول کرده و ازین سلطه افغانستان و خصوص بادشاه شان از دولت مخالف می‌شون اند و این لحظه اورا مدد (علمی و عملی) دولت خود می‌خواشند. آیا حفاظت اروپاییان بطریق لازم در افغانستان ممکن است؟ آری قوانین داخلی افغانستان در حفاظت اروپاییان تماماً باقاعد است و هم شرائط سخت بدرجه اعلی در آنها می‌سرم!

هم دوستی افغانستان را مقدم بنشانه احتمال کارانه با او سلوك غایب و عقیده خود را نسبت به افغانستان هیچ کاهی تغییر نموده. با این طایفه از تجربه های متواتر و مقتضیات عصر حاضر و مشکلات سیاستی غرب و یحییده کی های مسائله شرق بخوبی فرمیده باشد که از منازعه و محاربه با افغانستان بجز خسارت های فوق العاده مالی و تلفات نفوس کثیره نتیجه نماید و موقعیت افغانستان طوری است که بجز نوع مرعوب نمی‌گردد منتهای همه وسائل نهایات و ارها بات حرث است و حرب و ضرب ورزش طبیعی وعادت فطری صفار و کبار و ذکور ونسان افغانستان است، حتی در عملیات جنگ چنان مشق و حقوق همایه کی و مراتب دوستی خود را با برطایه مدعی داشته و مساعدت خود را با در موقع ممکن بابت رسانیده و تکذیب شده که از منطقه افغانستان بطور مستقیم یا غیر مستقیم خطیری به هندوستان وارد آید. از همه صرف نظر نموده بی طرف افغانستان در جنگ جنگ عموی بکار از عوامل عده‌قوز برطایه بوده است و بر رسانیده کان غیره سیاست بوشیده نیست که اکثر دران زمان افغانستان بی طرف را یک طرف ساخته شریک بجهت می‌شد فرصتی خوبی بذست داشت و می‌توالتست که در کمال سهولت ضربه مدهشی به انگلیس وارد آورده دست او را از بسی نقاط مهمه که بران مستولی بوده است برای ابد کوته سازد. ولی افغانستان مواعید خود را بابت با عصر تکاهدشته بحال آرامی و سکوت قرار کرفت و در مقابل این سکون و سکوت امیدواری های زیادی از برطایه انتظار داشت اما برخلاف این انتظار، چون اعلیحضرت شیبدخشن اعتراف بحق طبیعی و مشروع افغانستان و لسیلیات برای شرکت نهاده افغانستان در جمع بین الملل از برطایه دوسته هم خاصان نموده برطایه لیت و لعل نموده مسنه را به تامیح و اخراج تذریج دادوا. التیجه در زمان اعلیحضرت غازی قضیه منجره جنک (۱۹۱۹) کردیده و چیزرا که باستی برطایه بدون زحمت و تکلیف قبول می‌آرد بعد از تحمل خسارات کلیه تسليم نمود.

چون افغانستان طالب صلح کل و مساله عموی است و می‌بینه می‌خواهد با اسأر دول و ملل مخصوصاً با اسأهای قریب خود را ایطی دوسته داشته باشد، بعد از ختم جنک (۱۹۱۹) باز روابط قدیمه خود را با برطایه مجدد نموده آنچه درین آمده بود از خاطر تکید و با وجود ایجاد روابط دوسته بادو، معمظمه رویه و فرانسه و ایطالیه و المان و ترکیه و ایران برطایه را با همان نظر احتمال کارانه سابق نکریسته در تشید روابط حفظ مصالح و توسعه علاقه تجارتی و اقتصادی و اراده خطرات مدهش اثبات مساعی نموده ارزشدار دارد آنچه بیز می‌باشد اثبات او با برطایه رور رویسته شود، بشطبک برطایه

رذبلانه را برای خود عیب و خلاف می‌وحيت افغانی و منافی او اسر و جدایی و ایمانی داشته ابدیا با ان اقدام نیکند، اما کر افغانستان رخالت و ضدیت داشته باشد مندانه عیدان خواهد برآمد بیان افغانستان در بخاری امور خادمه هموقت نسبت به برطایه حست بوده اوضاع و جیش اور استنطر احتماً کارانه دیده و در موقعیک اشکونه و قائم است بداو سر زده محض آدمة هناسبات، یا اصلاحات اعتماد نکرده و یا سهل کرده از مر آن کذبته، چنانچه جانداد احمدزاده کدر عصر اعلیحضرت شهید مسیب قته عظیمی شد و دست برطایه در شورش اولان شریک بود و به ذخیره دیده و معاونت های مایه مساعدتش می‌گرداده ای از راه خود دنیاده داده و بعد از این این اسلام و لیازم حریمه به مقابله افغانستان فرستاد و افغانستان با آن پوتی نکرد شاهد این مدعای است و کذا تحریکات مزاره های گنو کران انگریزی بوده به عزاره جات آمده نولید اسباب خویزی و قته انگریزی بین افغانها و هزاره معوده در احتلال داخلی ملکت می کوشند و بیانه کردن افغانها کی در هدای کوچی سلیمان خیل د خالک برطایه که جنایات زر کی در هدای کذبته نموده اند از مسائل بسی مهمه است که اظیر آن را پیش از زر نظر داریم، لا کن استاده کی و با فشاری برطایه زین بک مسئله جزویه و توپیف تغییرکاری افغانستان در بیانی که ازان تازه خبرشده ام مدلل می کنند که بیان افغانیه است به افغانستان تغییر یافته باشد.

ذکر مسئله توپیف تغییرکاری این نیست که از حيث مالیت در نظر افغانستان اهمیت دارد و بایه قوه حریمی او مبلغی خواهد افزود، منظور ازان محض آکاهی عموم است که بدانست بادی بعض مقررات عهد نامه برطایه بوده و مواعید خود را هموقت محض بمحرف تعقب می خاند، ما کردم موقعي اقدامات ناملائمه در اطراف همچه بی اعتمانی بظمور آید افغانستان بپیش دول و مملکت مسئول و مورد اعتراض نباشد. و اینکه کمی کویند اخای عهدمند دور ناموقعي است که رای هندوستان خطره و تهدیدی موافق نباشد و حالیه به هندوستان تهدید و خطر متوجه است، بعض بیکه ایه است و برطایه می خواهد که در لفافه القا ظاپ بالک دامن خود را از بعض مقررات معاهده و اعواد کند، هندوستان از طرف افغانستان در شرف تهدید نیست مع ذلك سندی که مستداش راجع به توضیح تهدید هندوستان داده در آن تصریح شده که افغانستان از خاوه این تهدید خارج است و این معنی با نسبت نی شود

افغانستان هموقت کسانی را که بالا نیستار استحسان می بینند و دوستی اور ایخوی تلقی کرده آرزو مند ارتقا و تکامل ایشانند، محترم دانسته خواهشمند دوستی و مساعدت با تها است

حال دوست متبوعه خود را بدقت هفتیش غایبند، هیئت متفقین افغان سرحد خود را به تمامی هفتیش غوده از قاتلین صرافی پیشنهاد و لزور از اخبار مبنوقة که پیشنهاده قاتلین در (متونه) فیم دارند، باین همه، قتل چند خردور مسائل دولتی و روابط پیشوایی که همه جا و هر وقت بیش می آید و از وقوع آن نوع جلوگیری نمی کنند نیست اینقدر اهمیت ندارد که موچیت کاری سیاست ایمانی و تغییر عقائد کردد؛ پیشتو ازین دوستی واقعه پیارمه که تلفقات کثیره نفوس و خسارت اموال زیاد در آن بود در سرحد دولتین بوقوع رسیده و جون که سوء ظن و تغییر عقیده درین بود بعض مذاکرات مقابله نتازع رفع کردیده و ذر لفڑیات و عناست نولید اشکانی نموده است. جنگکاری چندین ساله پاپلیون اول، جنگ کرده باروسیه، اتحاد با فرانسه و روسیه، دخالت در جنگ بین المللی همه رای حفظ سیاست موافق بوده است، اندکلیس که ملیوتها نفوس و ملیارها لیزه خرج حفظ این موافقه کرده حالیه مشاهده می کنند که موافقه مختلف شده و در قاره اروپا دو منظومه متساوی القوه وجود ندارد سه دلت فرانسه و مع بیک رشته عملیاتی کرده که امید یک جنیع موافقه در آنیه نیز متنع میکرد زیرا ملک تو چک اروپا از قبل هلند، بلژیک دایمیا زک وغیره، هم استعداد اشکل قوه بزرگ نداشتند تها ملت امان که میتوانست دارای قوای مادی و معنوی لائق رقابت کردد و اسلیک فرانسه در تجزیه و اهادام بین ملت من بوره سی نموده و تلاش می کند خود را از شر خطر رقب آسیه محفوظ دارد اینست که اندکلیس حکم سیاست متشکله خود مجبور است از عملیات فرانسه جلوگیری کرده نکذاره امان تجزیه شود. اینجاست که مسئله لا محل ماده و ماهیج نوع تعویض مکن نیست اندکلیس راضی شده فرانسرادر اعدام امان از داده، زراهم خطریکه اور اینجنت عمومی کشاید و جهار سال تمام قوای بریتانیا را صرف نموده اینک به شکل مهیب و وسیکین ری عرض ادام میباشد اندکلیس بالمان دشمنی ذاتی و با فرانس، دوستی طبیعی نداشتند هر کدام را قوی و بلاح معارض یعنی برای خود خطر ناک شمرده در تضعیف او-یی میباشد در سال ۱۸۱۴ این خطر را در فرانسه و شخص ناپلیون تشخیص داد و درست بعد از یک بیرون در ۱۸۱۵ عن مخاطره را از طرف امان متوجه دیده در موقع آن فدا کاری کرد، مجدها ای و ز خطر را فرانسه قوی مشاهده میباشد و با تمام قوت خود با او مخالفت و ضدیت خواهد نمود چنانکه تلاکراتات روت سریحا حکایت میباشد و در مسئله تجزیه امان اعتراضات و مقاومت شدید ترده است. اندکلیس سیاست موافقه را تعقب خواهد کرد ولی بجه و سیلے ایجاد موافقه خواهد نمود؟

مناقشه و کشمکشی که امروز یعنی فرانسه و اندکلستان پیدا شده اساسی از همان روزی بود که متفقین معاهده و رسای رای امان دیکته کرده و با تحمل نمودند.

منظمه دولتی متعادل القوه در رابر یکدیگر نگاهدارد و هر دو یکطرف را شفیده سنگینی خود را بست اوداده موافقه را حفظ کند، بیطریق و طرفداری اندکلیس دائم تایم لفڑیه منبور بوده هر وقت موافقه را در بیطریق دیده بیطریق شده بادر اتفاق با یکدسته مشاهده کرده متعدد شده است. این سیاست بقدری در جیات اندکلستان دخالت دارد که بالغیره هر کامیه و زمامداری هر نحزب تغییر یافته و در راه حفظ این سیاست هر نوع فدا کاری را بتحمیل شده است. جنگکاری چندین ساله پاپلیون اول، جنگ کرده باروسیه، اتحاد با فرانسه و روسیه، دخالت در جنگ بین المللی همه رای حفظ سیاست موافق بوده است، اندکلیس که ملیوتها نفوس و ملیارها لیزه خرج حفظ این موافقه کرده حالیه مشاهده می کنند که موافقه مختلف شده و در قاره اروپا و متفق شده سلطنت امپراطوری ناپلیون اول را معدوم و منقرض کرد یک دوم در ۱۸۷۰ و ۷۱ که بیز مازک قرائمه را مغلوب و ضعیف نموده مخصوصاً شکست اخیر امان و لطاییک از فرانسه منصل بدو وارد می شود حس اتفاقاً یک ملت هفتاد میلیون نفر تغییر کرده در صد تلاقی و انتقام میابرد.

ان مطلب بر فرانسه پوشیده نیست و اساس سیاست کنونی فرانسه جلوگیری ازین خطر آینده و بسن س در مقابل آلمان است ولی با چه وسیله؟ اکر ملت امان تو چک یا جا هل بود شاید بینتوالست آن را بلع کرده و در نخت رقیت خود آورد ولی بقول بیک از سیاسیون در ماوراء رن هفتاد میلیون نفوس زیرک و بادرایت است که هاضمه قوی زین دول قادر رهیم آن نیست، بتارابن راه علاج منحصر است تجزیه امان که بدولتی های کوچک کوچک قسم شده و مانند دوره ماقبل نیز مارک هم ضعیف و اورهای سرکزی قویه که سوآند با فرانس مقاومت کشیده و نداشتند ها شدند بالاصاص در ساحل رن دولتی تشکیل یاد که قائله بین امان سرکزی و حدود فرانسه کردد. فرانسه اینطور فکر می کنند و رای های است که جنگ کوچک تجزیه طلبان را تقویت کرده سی میباشد این فتنه خاموش اشده و تجزیه امان مذهبی شود بلزیک نیز که عظمت امان قوی و متعدد را دیده با فرانسه متوجه خود در این سیاست هر آنست و بنویست خود از تجزیه خواهان حیات میداند.

سیاست فرانسه دو رکن اعظم دارد یکی در هم شکستن امان و معاشرت از غم و ورشد آینده او، دیگری مقاومت در مقابل اندکلستان و جلوگیری از تفویز بریتانیا در قاره اروپا، قسم اول را در تجزیه و قطمه قطعه کردن کمالک امان و قسم دوم را در یافتن متحدین تشخیص داده و بهمین لغار با لزیک و ایطالیا و لیستان و چک و اساو وغیره، متفق شده سف آرائی میداند.

دولت اندکلیس اساس سیاست خود را در جلوگیری از انجاد یکدیگر قوی و متفق پلامارض شناخته از دو قرن پیش تا کنون هواهه سی کرده است در اروپا ایجاد موافقه کرده و همیشه دو

ان دفعه داشاه اختلاف سنه جزوی پافری نیست که بیک از دو طرف بتواند کذشت کرد. باقضیه مالی و امثال آنها نیست که بوسیله ارجاع به محکمه لاده یا یجمع اتفاق ممل و کنفرانس سفر احل آنها ممکن نباشد.

سرنشاه اختلاف قضیه بزرگیست که سئون سیاست طرفین را تشکیل داده و هیچ کدام غیتواند از اساس سیاست خود صرف نهاده است.

فرانسه از امان قوی میتوسد وزهر قال قوت امان را در دو دفعه چشیده است اول در ۱۸۱۴ که بروس با اندکلیس و سائرین متفق شده سلطنت امپراطوری ناپلیون اول را معدوم و منقرض کرد یک دوم در ۱۸۷۰ و ۷۱ که بیز مازک قرائمه را مغلوب و ضعیف نموده مخصوصاً شکست اخیر امان و لطاییک از فرانسه منصل بدو وارد می شود حس اتفاقاً یک ملت هفتاد میلیون نفر تغییر کرده در صد تلاقی و انتقام میابرد.

ان مطلب بر فرانسه پوشیده نیست و اساس سیاست کنونی فرانسه جلوگیری ازین خطر آینده و بسن س در مقابل آلمان است ولی با چه وسیله؟ اکر ملت امان تو چک یا جا هل بود شاید بینتوالست آن را بلع کرده و در نخت رقیت خود آورد ولی بقول بیک از سیاسیون در ماوراء رن هفتاد میلیون نفوس زیرک و بادرایت است که هاضمه قوی زین دول قادر رهیم آن نیست، بتارابن راه علاج منحصر است تجزیه امان که بدولتی های کوچک کوچک قسم شده و مانند دوره ماقبل نیز مارک هم ضعیف و اورهای سرکزی قویه که سوآند با فرانس مقاومت کشیده و نداشتند ها شدند بالاصاص در ساحل رن دولتی تشکیل یاد که قائله بین امان سرکزی و حدود فرانسه کردد.

فرانسه اینطور فکر می کنند و رای های است که جنگ کوچک تجزیه طلبان را تقویت کرده سی میباشد این فتنه خاموش اشده و تجزیه امان مذهبی شود بلزیک نیز که عظمت امان قوی و متعدد را دیده با فرانسه متوجه خود در این سیاست هر آنست و بنویست خود از تجزیه خواهان حیات میداند.

سیاست فرانسه دو رکن اعظم دارد یکی در هم شکستن امان و معاشرت از غم و ورشد آینده او، دیگری مقاومت در مقابل اندکلستان و جلوگیری از تفویز بریتانیا در قاره اروپا، قسم اول را در تجزیه و قطمه قطعه کردن کمالک امان و قسم دوم را در یافتن متحدین تشخیص داده و بهمین لغار با لزیک و ایطالیا و لیستان و چک و اساو وغیره، متفق شده سف آرائی میداند.

دولت اندکلیس اساس سیاست خود را در جلوگیری از انجاد یکدیگر قوی و متفق پلامارض شناخته از دو قرن پیش تا کنون هواهه سی کرده است در اروپا ایجاد موافقه کرده و همیشه دو

امادر سور یکی به پیش مصاحت سیاسی و اقتصادی، و سعادت و راحت
داخلی و شرافت ملی خود جزوی صدمه و اخلالی از کسی حس کند
و سوء عقیده واراده از طرف بخود متوجه بهینه‌بلا فامل به مقام
مقاومت و میدان مدافعت برآمده تاریخن خون آخرين هر افراد ملت

پیور خود استاده‌کی دارد و هیچ نوع تخریف و تهدید و هیچ‌کو هقوت
پاتوپ و طیاره از اقدام او جلوگیری نی نواند. افغانستان برای فدا
کاری در راه سعادت و راحت خود هم وقت حاضر است. شجاعت
و مبارزت همت و حیث از صفات مخصوصه ملت اوست و در آیه‌هیں

هدایتی و شجاعت تا بیوت زنده کی کرده و زنده‌کی می‌کند و در
عهادهات برخیرف خود ظالب آمده و هیچ کاه مغلوب و مروعوب نگردیده
و نیکردد. پس اکریات برطایه نسبت به افغانستان حسته ناشد
و بدوسی او علاقه‌مندی دارد می‌باشد و وقت احتمال کاره‌ای اسلامی
توده این بهانه جوییها و کشاکش‌های بی جهت را فوری قطع
نماید تامانیات بی‌عیده و منجر به عواقب و خیمه نیکردد. چه
برطایه این معنی را بخوبی ملت خواهد بود که ملت افغانستان
محجو ممل دیگر نیست که هر ساعت تغیر عقیده واراده کند.

اکر احساسات اوضاع موجوده یکباره به افکار طبقه عامه تبیيت
یافت، يک جناب هیجان عمومی ملی و دی در تمام افغانستان
تویله خواهد یافت که جلوگیری ازان نکن بشاد، و تبیجه خواهد
داد انجه همه وقت نتیجه داده، بلکه مایی بینیم که از همین حال
تغیر افکار در مردم تولید شده به مظاهره های عمومی و پروتست
عمل قریب رسیده اند.

ملاقات بامار کویس پتو نو وزیر مختار دولت بهبه
ایطالیه در افغانستان و مذاکرات راجع
به مسائل اقتصادی بین دولتين
افغانستان و ایطالیه

مارکویس پتو نویس از مسافرت دو ساله و ایس روما رجعت
کرد، مارکویس مذکور از طرف دولت ایطالیه بصوره سفارت
در افغانستان امتیاز داشت. از اجراءات سیاسی و اقتصادی
حکومت خود در دولت افغانستان که درین ایران و هندوستان
وروس ایشیان وقوع دارد، و نیز از سرمایه های باکره مفیده
که افغانستان مملو و توانکر است از ازمار کویس مذکور شنیده
و هم احساسات اورا در آن باب مشاهده نموده دلچسپی تمام

حاصل آمد. دولت افغانستان ترتیبات مسروچه حاليه دیوارا
اختیار و مسامی اقتصادی مارا در دل آسیای قدیم (الکنادر
اعظم) راه و جادده، و بروی کار آوردن بخواهد.

مارکویس پتو نو بعین بخشید که افغانستان با کمال افتخار
شاهنشاهیت و نیز استقلال نامه خود در تخت حایه هدایت پادشاه
افغانستان بادول هیجوار آن و وسیله اتصال آن با پسر پیداشد

بهران سختی نکاه خواهد داشت و شباراین بادرای جلوگیری
این بهران و وقفه معاملات، از فشار بالمان کاست و به نسبت
قدرت مالی او مطالبه وجه از او نمود.

مقاله مهی هم کاروز نامه تایم اور کان وزارت خارجه
انگلیس درهان تاریخ انتشار داد غیریا بمقاد فوچ بود و روح
مقاله آن این بود کما ذیلاً نقل میکشم:

تمام پلنیک انگلیس درین موقع عبارت از این است
که: دولت انگلیس پیش دارد که هیچکس نه خودش
نفرالله و نه هیچ ملت دیگری نمیتواند از قلا کوت وورشکسته
السان استفاده کند. اکر آسان در ورطه اغتشاش و بی
انتظامی فرورود دخوش بازیسه و چین دریک منطقه اقلاب
کامل برای دوام اوضاع تجارتی تمام دنیا با خطر مهی خواهد بود
این سیاست انگلیس اسست روی ملاحظات کوچک سعادت
و آسایش محلی بیست، بلکه برای حفظ منافع اقتصادی تمام ملل
دنیا که بایکدیکر مربوط و مسلسل میباشد بود، والکستان
بیچوقت از این نقطه نظر خود صرف افلاخ خواهد کرد،

خلاصه این مقاله و آن نقطه ویاد داشته ای دولت انگلیس.
نفرالله این بود که مسئله هرامات برای استقرار تعادل اقتصادی
رور و یا مانع بزرگ محضی شود و اشغال رور، کفراللهها
در لظر کفره اند فلاکت المان را که باعث تزلیل اوضاع
سیاسی و اقتصادی اروپا خواهد شد نسیع کرده و جلوی اندزاد
بناراین فرانسه باید از این فشار دائم خودش به آلان صرف
نظر، ناید، و این وسیله رفع بهران اقتصادی و سیاسی اروپارا
خانه دهد. روح تمام اطمینان جرائد، لیسرها، اعضای
کاینه انگلستان این بود:

باید المان را بتجهات داد و وحدت مان را برای جلوگیری
از خوف و بسط قدرت دائم التزايد فرانسه جلوگیری نمود.

فرانسه درست نقطه مقابل این سیاست رایش مفید
وورشکسته المان، جهات آئمه رورا تایم میکرد.

مرحله جبد و کشمکش تسدید اصرور راجع به بجزیره
المان است که فرانسه و بازیک دران منافع جیان دارند و انگلستان
آن را شدید زین ضریعی عناصر و عظمت خود میداند.

انگلستان موافقه جدیدر! میخواهد از المان شروع کند این
مسئله از نقطه نظر دیلوامی اشکلی خیلی صحیح است زرائمه المان
است آن که کترین کلک میکن در مقابل فرانسه تایم مانی کند.

ازین مرحله دسته دوین دولتی که بوسیله آلان داخل اتحاد
با انگلیس ممکن است بشود، روسیه است، زیراطریفون هم انگلیس و هم

روس در حال حاضر احتیاج بیک اتحاد و ائتلاف میکدیکردارند
و همین است بک نقطه سیمی که باید مورد دقت مانیز قرار کرده (ایران)،

اکر استاد سیاسی و وزارت خارجه انگلیس بdest رس
عمومی که از این شد، بخوبی واضح می‌گشت که از همان تاریخ
سنوون نوی در سیاست انگلیس پیدا شد هرچه بیشتر مدت کشید

این فکر روشتر شد، و هرچه فرالس فویز را آلمان ضعیفتر
کردید، انگلستان در تشکیل بیک اتحاد و ائتلاف جدید
کردید غرالله با قدمهای سریعی بطرف مقصود خود بیرفت و تمام
نوجو و قدرت سیاسی خود را صرف ضعف و تعزیزه آلمان نموده بود
زیرا خطر آئمه را فقط از هنخجا میدانست. درست عکس این
روبه برای انگلستان پیدا شد. دیلوامی اشکلی حفظ منافع
و مصالح و بلک عظمت خود را در تجدید قدرت آلمان تشخیص
بیداد و با تمام قوای خود درین مقصود سی میکرد. مراحلات
و باد داشته ای که در ماه زویه کشیده (ذیحجه) بین فرانسه
و انگلیس رو بدل شد کاملاً پرده از روزی کار برداشت و مذاکرات
دیلوامی از این ملائم خود خارج شد و تأذیزه خشن
و مروعوب کشیده کردید. دولت انگلیس درهان تاریخ باشیده ای
آلمان راجع به تشکیل کیسیون بین الملی و تحقیق میزان استطاعت
و قدرت مالی آلمان برای تادیه قسط فرامات موافقت کرد و فشار
دولت خارجه می‌بخشد.

(آلمیم): - لوازمات تعلم و تعلم (علی و عملی) و مکانی علوم
و فنون تجارتی به اصول نهایت سرگویی تایم شد. است.
کفته میتوانم که اصرور در افغانستان صدها مکتب است
یعنی در هر قرقه خود نیزیک بک مکتب و قوع دارد این سخن
خیلی دلچسپ است آن (اعلیحضرت امیر) اصرور نموده اند:
در غایی مکابن بزرگ زمان دانی زبانهای اروپائی آموخته شود
و سه دارند که زبان قدیمی قومی یعنی (یشو) را دوباره رائج
فرمایند. در هیو دی رو غرام های قومی که اساس نمایی اجر آن
شان است سی بلیغ دارند.

بعضی ها میکویند که امیر افغانستان آموختن زبان فارسی
را از مکابن میخواهند بلکه منع فرمایند و این کاملاً از صدق
دور است (اعلیحضرت امیر) در آموختن زبان های خارجی
سوق عام دارند نه در خواهان.

اعلیحضرت امیر تجدید عامی قوانین سلطنت خود نموده
برای بیرون آن تزد ملت ضمانت کل را رذمه خود کرده اند
(بیهودی مسائل اقتصادی دولت افغانستان)

علاوه بر همه استظامات مذکوره فوق اعلیحضرت برای
ترق اقتصادی ابراز مساعی جیله نموده جمه اجرای آن در یاقون
وسائل نقلیه و راه های خیل اهم و ایزد و اهمار بیل هاو سرک
موترهای باربرداری وغیره وغیره همواره میکوشند و بخواهند
بزودی مکشته بنای راه دیل کرده شود تاریق زیاد برای تجارت
افغانستان بادول هیجوار آن و وسیله اتصال آن با پسر پیداشد

حسن نتیجه بذر خواهد بود

جناب وزیر صاحب نیز بخوبی اطلاع شان اظهارات محبت
آمیز نمودند.

آقای فریض گروبا اصلاً از قسمت پرس علاوه بوسایه
است. تحصیلات او از دارالفنون برلن است و در شعبه حقوق
و اقتصاد سیاسی والسنہ مشرقی درجه داکتری را حائز کردید.
است. در السنہ مشرقی زمین و فارسی و معرفی به تفاوت میداشت
کتابی در حقوق بین الملل، وزراحت جیوهات و تکلیف حاصلان
که در نتیجه تجربه های زیاد و معلومات نازه که بدست آورده اند
نوشته اند. زمانی در فلسطین در جنگال فوئل دولت متبوعه
خود عضو بودند و ازانجا درهاد کو به قولی مقرر کردیدند
ولی بوجه وقوع محابات اشغال وظیفه توانسته بوزارت خارجه
خود پر کر رجوع نمودند در وزارت خارجه در دائرة مفرق
به شعبه که افغانستان با آن مربوط است مدیر مقرر کردیدند.
در روابط دولت خود با دولت علیه افغانیه کوشش وسی ایاز
نموده است.

فرمان تسلیت تو امان شاهانه

— ۱۵۶ —

والله و برادر های دین محمد خان طالب العلم

از وفات حزن اوردین محمد خان پسر تاج محمد خان صورخون که
در راه تحصیل علوم برای خدمت وطن مقدس خود در برلن
پدر و دزنه کان کتفه بسی متائف کردیدم بخاد من
مات فی طلب العلم فقد مات شهیداً — عحق است کسی که در
علم تحصیل علم بغير درجه شهادت فایض میشود، اکر جه عروم
اولادهای ملت عزیزم هر یه فرزندان معنوی هستند مکریتوانم
نخیص بدهم همچو نویلان وطن را که برای استفاده ایم آنی
وطن مقدس خود از اقوام واقارب دوری کردیدند و زک ارام
واسرتاخت کفته به تدریس و تحصیل علوم و فنون صرف مسامی
نمودنیشت ازین عوقبکه وزارت معارف در صدد اجرای صراحت
کافه خوانی برآمده هنفل فاعم در مکتب امامیه الققاد کرده
بودند بسیار مایل بودم نادر زمرة یک از فاعم دارهای این
نویاوه معارف نایل بشوم ا مع الاسف ا کاز جهت ریشه و کمالی
که در آن روز وجودم مارش بود کامیاب نکردیدم از ازو شما
هار ارشاد میفرمایم نایحکم اذ اقمع الصابرين — صبر و شکریانی
را شیوه خود سازد و برای انحراف مذهبی مفتر نمایند منم از
خداآن د تعالی است حام میکنم که آن فدائی وطن را ضریق
رخت بی منهای خود بکردند و بازماند کاش سبز کرامت
فرماید موخر ۲۵ قوس ۱۳۰۲

تحویل اخراج اخراج

ورود شارز دافر دولت بهیه المان

از مدتها است که روابط دولتیه بین دولتین علیین افغان
والمان صورت گرفته است و از دو سال با این این این این
دولت علیه افغانیه در برلن اقامه هارد، ولی از طرف دولت
المان نظر باضرایات و ارتیا کات داخل و فشار های خارجی
تایین نزدیکیها راجع به فرستادن نماینده سیاسی به افغانستان
اقدام نشده بود درین اوآخر که نیمه المان در افغانستان بسیار
شده دولت المان اقامه سفارتخانه خود را به باخت افغانستان
اصیم کرده، فعلاً بکنفر (شارز دافر) یعنی وکیل سفارت را فرستاد.
جناب دا کتر (فریض گروبا) شارز دافر دولت بهیه المان
روز پنجم ۲۴ قوس وارد کابل شدند و روز (پنجم) به
باحضور خالی وزیر صاحب امور خارجه در وزارت خارجه
ملاقات رسمی نمودند. در موقع ملاقات اطلاع فیل را اراد
فرمودند.

جناب منطاب جلالنگا با

بعد از اینکه حکومت علیه اعلیحضرت اقدس هایون امان
الله خان در سال ۱۹۲۱ در سایه آن جناب منطاب جلالنگا اب
مناسبات دولتیه را که هنوز سایه ماین دولت علیه افغانستان
و دولت بهیه المان موجود بود تجدید و در برلن پکس فارس
جلبه را ایجاد فرمود که برای آن تقریباً یک سال قبل ازین
سفر مخصوص وزیر خخار معین شدند حکومت آمان هم خیال
داشت که تاییس بک سفارت کابل را مطلع کرده نمیتواند و
بنابران سه رای این مقصد بست شارز دافر به انجما روانه نمود
حکومت المان اشکرات را بعرض حضور مبارک اعلیحضرت
اقدس هایون واولیای دولت علیه ایشان و خاصه هم بیش که
عالیجهاه آن جناب منطاب جلالنگا اب میساند مقابل حسن
توجهات بینده لبست بجزئیها مقیم انجما که سعادت حال
و خوشبودی و رضامندی اینهار اذانه بخش خود مشاهده کردم
حکومت متبع عدم امیدوار و آرزو مند است که بنویس
تاییس بک سفارت المان در دارالسلطنه کابل مناسبایکه ماین
دولتین علیین اینقدر هم آنک است که های مشترک مدنی
و اقتصادی همیق و ترقی رسانیده شود و قبک آن جناب منطاب
جلالنگا اب همین حسن توجهان را که ناچال در راب جمیع جرمهای
ایرانی سمعت فرمودید در حق شخصی من هم ایاز میفرماید
آنکه کار خودمن که خادم همین مقصد مذکور است از اول